



# مصاحبه با شیخ خلیل افرا

رئیس هیأت افتا و شورای پاسخگویی اهل سنت استان بوشهر  
عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت کشور و محقق در علم فقه و حدیث



## لطف کنید سوابق علمی و پژوهشی خود را بیان نمایید.

بنده خلیل افرا، فرزند ابراهیم، اهل و ساکن کنگان، متولد سال ۱۳۴۷، دارای مدرک دانشگاهی فوق دیپلم و مدرک تحصیلات دینی و حوزوی کارشناسی و دارنده‌ی مجوز تدریس سطح دو از دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت کشور هستم. تحصیلاتم را در مدرسه صدرالاسلام بندر خمیر در حضور اساتید عالی‌رتبه و برجسته شروع کردم. اساتید محترم بنده از استان‌های هرمزگان (شهرهای خمیر و بستک و جزیره قشم) و استان فارس (شهر اوز) بودند و از همان سال ۱۳۶۳ که سال اول تحصیلاتم بود، اساتید محترم وارد منطقه شدند و مشغول برنامه‌ریزی منهج درسی و کلاس‌بندی و تدوین آئین نامه مدیریت مدرسه صدرالاسلام خمیر و شورای مدرسین آن شدند. به تدریج به بنده پیشنهاد تدریس داده شد که پذیرفتم و بدین ترتیب، تدریس و تحصیل بنده همزمان با هم پیش رفت. البته علاوه بر تدریس در مدرسه، مشغول فعالیت‌های فرهنگی و تدریس بعضی از دروس دینی در مساجد شهر و روستاها شدم.

علاوه بر تدریس، خطابت جمعه و امام جمعه موقت خمیر را نیز برعهده داشتم و در روستاهای اطراف هم جهت ایراد خطبه جمعه می‌رفتم. در ایام تابستان نیز که مدرسه دینی تعطیل می‌شد، به کنگان بر می‌گشتم و در مساجد این شهر، کلاس‌های دینی برای جوانان و جلسات پرسش و پاسخ در زمینه مباحث دینی برگزار می‌کردم. همچنین از کتاب‌های علمی موجود در کتابخانه مدرسه صدرالاسلام به خوبی استفاده می‌کردم.

و بعد از ۱۲ سال حضور در خمیر که شش سال آن مشغول تدریس و هفت سال آن مشغول تحصیل بودم، در سال ۱۳۷۳ همزمان با افتتاح مدرسه امام شافعی کنگان به شهر





خود برگشتم و در این شهر، مشغول تدریس شدم. مدرسه امام شافعی در ابتدا، با بیست طلبه برادر آغاز به کار کرد و سپس به مرور زمان، شعبه‌های دیگر این مدرسه در روستاهای و شهرهای همجوار و تابع کنگان مانند پرک، نخل تقی، عسلویه و اخندو چاه مبارک راه‌اندازی شد. همچنین در کنگان، علاوه بر مدرسه امام شافعی، مدرسه بنات‌الرسول هم تأسیس شد و بدین ترتیب، مدرسه امام شافعی کنگان به مجتمع دینی و فرهنگی امام شافعی تبدیل شد. بنده زمانی که در بندر خمیر بودم، علاوه بر تحصیلات دینی در نزد حافظ عبدالرؤف در دارالتحفیظ بندر خمیر، قرآن را در مدت شش ماه حفظ کردم. همچنین پس از هفت سال تحصیل دوره عالی نظام قدیم، نزد علمای برجسته منطقه مدرک کارشناسی از آن مدرسه گرفتم. به‌طورکلی، سابقه‌ی بیست و هشت سال تدریس دارم که شش سال آن در مدرسه صدرالاسلام بندر خمیر و از سال ۱۳۷۳ نیز در مجتمع امام شافعی کنگان و مدارس تابعه آن تدریس کرده‌ام. با توجه رشته تحصیلی‌ام، توانایی تدریس همه دروس مقدمات و متوسطه و دروس دوره عالی فقه و حدیث را دارم و از تسلط کامل بر فقه مذاهب و اقوال علماء برخوردار هستم.

برخی از مسئولیت‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اجرایی بنده شامل رئیس هیأت افتاء و شورای پاسخگویی به مسایل شرعی اهل سنت استان بوشهر، عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت کشور، نائب رئیس شورای روحانیت اهل سنت استان بوشهر، امام جمعه موقت اهل سنت شهر کنگان به مدت سی و یک سال، ناظر مدارس اهل سنت استان بوشهر، مدرس مجتمع دینی امام شافعی کنگان و مدارس تابعه، عضو هیئت استهلال اهل سنت استان بوشهر، عضو کمیته نظارت بر مساجد و مدارس اهل سنت استان بوشهر، مدرس



مدرسه فاطمه الزهرا شهر سیراف است. بنده همچنین در سمینارها و همایش‌های وحدت اسلامی حضور داشته‌ام.

از لحاظ فرهنگی و پژوهشی نیز فعالیت‌های زیادی انجام داده‌ام که عبارتند از: تحقیق درباره‌ی سیدنا مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، مقاله درباره جنگ بدر، مقاله‌ای مفصل با تحقیق در خصوص حادثه کربلا و شهادت سیدنا حسین (رضی الله عنه)، فضایل حسنین (رضی الله عنه)، اهل بیت (رضی الله عنه) م از دیدگاه صحابه (رضی الله عنه) م، تحقیقی در فقه تقارن، استفاده از دیدگاه مذاهب خمس، تفسیر سوره فاتحه و خواندن آن در نماز، مصاحبه‌های مختلف تقریبی با شبکه‌های مختلف جهانی، مقالات مختلفی که در نشریه وفاق ائمه جمعه و وفاق مدارس به چاپ رسیده، تهیه و تنظیم بیش از ۱۵۰ خطبه جمعه در موضوعات مختلف با تحقیق و مستند، بحث استهلال و پذیرش محاسبات فلکی در اثبات رؤیت هلال و آراء فقها مذاهب.

### ارتباط حوزه‌های علمیه اهل سنت و تشیع را در طول تاریخ مقایسه کنید و راه‌های ارتباط حوزه‌های علمیه تشیع و تسنن را چه می‌دانید؟

در طول تاریخ بین حوزه‌ها و علماء شیعه و اهل سنت ارتباط بوده است. با مطالعه دریافته می‌شود که در گذر زمان، بین حوزه‌ها و علمای شیعه و اهل سنت همواره وحدت برقرار بوده است و می‌توان شواهد فراوانی از وحدت و هم‌گرایی و ثمرات آن را در بین مذاهب اسلامی یافت و آنها را به عنوان اسوه و نمونه جهان اسلامی معرفی نمود. بزرگانی از هر دو مذهب شیعه و سنی در جهت پاگرفتن وحدت کوشیده‌اند. افرادی همچون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ شلتوت در عرصه شکل‌گیری وحدت بین حوزه‌ها و اقشار مختلف مسلمانان گام‌های مؤثری برداشته‌اند.

برای ارتباط حوزه‌های علمیه شیعه و اهل سنت و ایجاد وحدت، علما باید مشغول مناظرات علمی بین همدیگر شوند و باید علمای فریقین به یقین بدانند که وحدت به معنای ترک و تعطیل کردن مباحثات و مناظرات علمی بین این دو مذهب نیست، بلکه با حفظ وحدت و یکپارچگی نیز می‌توان در محیط‌های علمی مناظرات علمی برقرار کرد به گونه‌ای که دشمنان نیز نتوانند سوءاستفاده نمایند.

روشن است برای رسیدن به اتحاد، نخست؛ باید عوامل تفرقه و موانع اتحاد را از سر راه برداشت و به طرفین شناختی صحیح از عقاید و افکار یکدیگر برسند و این، جز با مذاکره علمی بین دانشمندان و علما ممکن نیست، زیرا اتحاد به معنی نفی آزادی اندیشه و تحقیق، حقیقت‌جویی و عدالت خواهی نیست و اتحادی مطلوب است که در کنار این ارزش‌ها مطرح گردد. پس اگر این مباحثات و مناظرات علمی با روش‌های علمی و رعایت آداب مناظره

صورت گیرد، نه تنها سبب تفرقه و جدایی بین دو مذهب نخواهد شد، بلکه منجر به شناخت صحیح یکدیگر و تقریب و در نتیجه وحدت نیز می‌شود. از این رو، مناظرات علمی نه تنها تفرقه‌انگیز نیست، بلکه وحدت‌آفرین است.

### ارتباط حوزه‌های علمیه بوشهر با دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یکی از بحث‌های مهم که همواره در سال‌های اخیر میان حوزویان و دانشگاهیان مطرح بوده و هست، بحث وحدت این دو نهاد می‌باشد. زیرا این دو نهاد، پایه‌های فکری و سازندگی جامعه را تشکیل می‌دهند و دانشگاهیان از بعد علمی و حوزویان از بعد معرفتی و دینی در این زمینه نقش دارند. البته این امر، بدین معنا نیست که در دانشگاه، بعد مذهبی و در حوزه، بعد علمی وجود ندارد، هر چند وجود این دو عنصر نسبت به نهاد اصلی خود کم‌رنگ‌تر است.

به طور کلی، صاحب نظرانی که در این عرصه به بحث و چالش‌های فکری پرداخته‌اند، به چند گروه تقسیم می‌گردند. گروه اول معتقدند که این وحدت، هم اکنون شکل گرفته و روندی رو به رشد را طی می‌کند، اما روند آن سرعت ندارد و به دلایلی دچار کندی شده است، اما نسبت به آن امیدوار هستند که در آینده، این روند سرعت یافته و مشکلات آن بر طرف می‌گردد.

گروه دوم نیز به اصل وحدت می‌اندیشند، اما در چگونگی تحقق آن ملاحظاتی جدی دارند و از جمله معتقدند که غالباً با گنجاندن چند درس مانند معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، متون اسلامی و... در دروس دانشگاهی، نمی‌توان از آن به عنوان وحدت این دو نهاد نام بود و گفت که وحدت شکل گرفته است. چرا که اساساً این گروه معتقدند که وحدت حوزه و دانشگاه، چیزی فراتر از گنجاندن درس اسلامی در میان درس‌های دانشگاهی می‌باشد. گروه دیگری نیز به طور کلی اعتقاد دارند که اساساً این دو نهاد، بسان دو خط موازی هستند و هیچ‌گاه به هم نخواهند رسید. البته بعضی دیگر نیز معتقدند که دانشگاهیان باید به سوی آنها بروند؛ یعنی حوزویان خود را بالاتر می‌دانند و باید دانشگاهیان به سوی آنها بروند، در حالی که حوزویان در این مورد، باید پیغمبرگونه عمل نموده و آنها باید به سراغ دانشگاهیان بروند.

امام خمینی در سال ۱۳۴۶ که هنوز کمترین نشانه‌ای از تحولات بعدی و شکوفایی نهضت اسلام‌خواهی ملت ایران متصور نبود، در پاسخ به پیام دانشجویان مسلمان اروپا از پیوستگی دانشجویان مدارس قدیم و دانشگاه‌ها، احساس سربلندی و مسرت نمود و فرمودند: «از این که احساس می‌کنم طبقات جوانان غیور و دانشجوی قدیم و جدید داخل



کشور و خارج و روشن‌ضمیران سایر طبقات ملت شرقی و مسلمان از خوابِ گران بیدار شده و در فکر چاره هستند، احساس مسرت و سربلندی می‌کنم.»

امام به نیکی می‌دانست که اگر روحانیت اسلام نتواند فهم خود را از اسلام با مقتضیات زمان پیوند دهند و اگر نتواند با کاروان عظیم دانش بشری که محمل و مجرای کنونی آن، بیشتر دانشگاهیان کشور هستند، ارتباط همدلانه داشته و با منطق جذب، با آنان برخورد نماید، اعتقاد و ایمان نسل آینده با مخاطره جدی روبرو می‌شود و روحانیت، رسالت خود را ناتمام و عقیم خواهد گذاشت.

به یاری خداوند، اکنون سال‌ها است که ارتباط حوزه‌های اهل سنت با دانشگاه بوده و هست، زیرا در مناطق اهل سنت، به ویژه سه استان جنوبی، اکثر طلاب دوره‌ی مقدمات و متوسطه، مخصوصاً امسال که منهج چهار ساله شروع شده، دوره مقدمات و متوسطه خود را با مدارس دولتی دوره دبیرستان و در دوره عالی که چهار سال است، همزمان با دوره‌ی چهار سال دانشگاه با هم در یک سطح و آنهم سطح دو (لیسانس) به اتمام می‌رسانند. نکته مهم آن است که طلابی که در دو بخش، یعنی هم در حوزه و هم مدرسه و دانشگاه، همزمان مشغول تحصیل هستند، موفق‌تر هستند و همیشه با رتبه‌ی عالی و ممتاز قبول می‌شوند. زیرا طلاب دینی، وقتی که در هر دو بخش تحصیل می‌کنند و وارد جامعه شوند، به این دلیل که متسلح به سلاح علم و دانش شده‌اند، می‌توانند بهتر جوابگوی نیازهای مردم باشند.

### شرایط یک حوزه علمیه و یک عالم اهل سنت مطلوب از نظر شما چگونه است؟

در طول تاریخ و از زمان پیامبر<sup>(ص)</sup>، مساجد هم مکان عبادت و هم مکان تحصیل علم به حساب می‌آمدند و پیامبر<sup>(ص)</sup> با اصحاب و یارانش در مسجد، مشغول تعلیم و آموزش احکام و مسایل دینی بودند. این طریقه و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> یعنی القای درس و تدریس در مساجد در بعضی از کشورهای اسلامی و در مدینه منوره و مسجد النبی وجود داشت و هنوز ادامه دارد. برای احیای این سنت دیرینه پیامبر<sup>(ص)</sup>، علما تشویق و ترغیب می‌کنند که بعد از نماز، آیاتی از قرآن تفسیر شود و یا حدیثی از احادیث پیامبر<sup>(ص)</sup> یا بابی از ابواب فقهی خوانده شود و این نقشی بود که اصحاب صفا در صدر اسلام داشتند. این افراد در مدینه در مسجد ساکن بودند و همه اقوال، اعمال و حرکات پیامبر<sup>(ص)</sup> را زیر نظر داشتند و به همین دلیل، برای امت اسلام روایت می‌گفتند که شخصیت معروف آنها، ابوهریره بود که احادیث متعددی از پیامبر را نقل کرده است.

در بعضی از کشورهای اسلامی، مساجد جامع به جامعات دینی یعنی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دینی تبدیل شدند. به همین دلیل، دانشگاه‌های علمی در جهان اسلام به نام



مساجد جامع شناخت می‌شد؛ مانند جامع الازهر در مصر، جامع الزيتونه در تونس و جامع قرویین در مغرب که این سه دانشگاه، هم مسجد جامع بودند که در آنها، نماز می‌خواندند و هم جامعه یعنی محل تحصیل علم و دانشگاه بودند. این دانشگاه‌ها، از قدیم در زیر سقف و محیط مساجد شکل می‌گرفت که به این معنی بود که عبادت و دانشگاه جهت فراگیری علم و دانش در همه زمان‌ها، به روی همه علاقمندان به علم و دین و اخلاق گشوده بود، تا اینکه به تدریج و به مرور و تحولات زمان در بعضی از کشورهای اسلامی، دروس علمی و فراگیری علم و دانش از مساجد به ساختمان‌های مخصوص جداگانه به عنوان مدرس و حوزه یا دانشگاه منتقل گردید و جایی مخصوص برای فراگیری علم و دانش تأسیس گردید. مورخین در زمینه‌ی پیدایش اولین مدارس اسلامی با یکدیگر اختلاف دارند؛ بعضی‌ها معتقدند که نخستین مدارس اسلامی، نظامیه‌ها بوده‌اند که در سال ۴۵۹ ه.ق توسط خواجه نظام‌الملک تأسیس شد و گروهی دیگر، این سخن را نمی‌پذیرند، زیرا با نگاهی به کتاب‌ها و مصادر قدیمی‌تر در میابیم که پیدایش این مدارس، به اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری می‌رسد. همچنین در ابتدای قرن چهارم هجری، مدرسه ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی شافعی (۲۷۰-۳۵۴ ه.ق) در نیشابور فعالیت خود را آغاز نمود و پس از آن، مدارس متعددی در نقاط مختلف جهان اسلام موجودیت خود را اعلام نمودند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مدرسه ابن حیان توسط ابوحاتم بن حیان بستی در سال ۳۰۵ ه.ق در بست، مدرسه ابوالولید توسط حسان بن احمد نیشابوری در سال ۳۴۹ ه.ق در نیشابور، مدرسه بیهقیه توسط امام ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی شافعی در سال ۴۰۸ ه.ق در نیشابور، مدرسه ابوحنیفه توسط ابوسعید بن مستوفی در جوار مرقد امام ابوحنیفه پنج ماه قبل از افتتاح نظامیه بغداد. این مدارس، اهدافی نظیر تحقق عبادت خالصانه خداوند متعال، تربیت انسان‌های شایسته و مصلح، ایجاد جو علمی در جامعه اسلامی و گسترش دیدگاه وسیع فکری در میان طلاب را دنبال می‌نمودند.

در مدارس قدیم و در قرن چهارم، برنامه‌های مختلف و متعددی مانند جذب اساتید و تعیین منهج درسی صورت می‌گرفت که البته هر مدرسه‌ای بر پایه مذهب و اصول عقاید خود این برنامه را تنظیم می‌نمود و در کنار علم فقه، سایر علوم دینی مانند تفسیر، حدیث، صرف و نحو، ادبیات، کلام، طب و فلسفه تدریس می‌شد.

از لحاظ امکانات مادی مدارس، در مدرسی که در آن زمان طلاب زیادی داشت؛ مانند تعداد طلاب مدرسه امام محمد غزالی در بغداد و مدرسه امام‌الحرمین جوینی در نیشابور در سال ۴۸۸ ه.ق که به حدود سیصد نفر می‌رسید، تمام مخارج طلاب و اساتید از عواید موقوفات تأمین می‌شد که قسمت عمده آن، به مدرسان اختصاص داشت و به حدی زیاد بود



که پس از پرداخت حقوق آنها، هزینه تعمیرات و کمک به شاگردان فقیر می‌شد. در مدارس آن زمان، همانند امروز هیأتی به نام هیأت و گروه آموزش وجود داشت و مسئول آموزش، کسانی بودند که در عالی‌ترین مرتبه‌ی علمی زمان خود قرار داشتند و در آن زمان، اساتید، علاوه بر رتبه‌ی علمی استادی از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز در سطح عالی بودند تا جایی که بعضی اوقات، مورد اعتماد خلفا بودند و حل مشکلات مملکتی به آنها سپرده می‌شد. همچنین در آن دوره نیز رتبه‌بندی آموزشی وجود داشت و بر این اساس، به اولین رتبه مدرس گفته می‌شد که فردی بود که فقط فقه تدریس می‌کرد. هر گاه مدرس از جایگاه علمی بالاتری دست می‌یافت، استاد نام می‌گرفت و در ارتقای مدرس به مرتبه‌ی استاد جشنی برپا می‌شد و استاد مورد اکرام و احترام ویژه قرار می‌گرفت و ملبس به لباس مخصوص می‌گردید. گروه دیگری نیز به عنوان نایب مدرس در آن زمان بودند که البته اکنون کمتر در مدارس دینی مشاهده می‌شوند. این افراد هر وقت که مدرس به هر علتی نمی‌توانست در کلاس درس شرکت کند، کلاس درس را اداره می‌نمود. همچنین یک یا دو نفر در کلاس درس، از سوی استاد به عنوان معید یا تکرار کننده درس انتخاب می‌شد که این معید در قرن چهارم و پنجم، درس را در کلاس تکرار می‌کرد و در کنار کرسی استاد می‌نشست و سخنان او را برای حاضران تکرار می‌کرد و قسمت‌های مشکل درسی را توضیح می‌داد. اساتید، مدرسان و معیدان با لباس‌های خاص در کلاس درس حاضر می‌شدند، اما اکنون و در دوره معاصر، معید درس فقط بعد از کلاس، درس را تکرار می‌کند.

در آن زمان، به مسائل آموزشی که رکن اصلی مدارس بود، بیشتر اهمیت می‌دادند و این مسایل، رتبه‌بندی می‌شد. در در مورد کتب درسی، در مدارس قدیم این کتب توسط اساتید تألیف می‌شد و طلاب از روی آن، نسخه‌برداری می‌کردند. کتابخانه‌های عمومی در زمان تمدن بزرگ اسلامی وجود داشت و مسلمانان علاقه زیادی به مطالعه داشتند. از جمله کتابخانه‌هایی که به صورت عمومی در آن زمان بودند، می‌توان به بیت الحکمه بغداد با حدود چهار میلیون جلد، کتابخانه شاپور بغداد با ده هزار جلد، کتابخانه سلطنتی قاهره با یک میلیون جلد، بیت الحکمه قرطبه با چهار صد هزار جلد، کتابخانه طرابلس شام با سه میلیون جلد و کتابخانه سرانه با چهارصد هزار جلد کتاب اشاره کرد.

مدارس و حوزه‌های علمیه اهل سنت ایران امروز به هیچ عنوان با گذشته از هر جهت و حیث قابل مقایسه نیستند. امروزه مدارس اهل سنت ایران، برنامه‌ریزی و سامان‌دهی خاص و ویژه‌ای دارد و سطح‌بندی شده‌اند. در حالی که تا بیست و چند سال قبل، همه مدارس در یک سطح بودند. امروز سطوح مقدمات، متوسطه و عالی و دروس تخصصی از یکدیگر جداست. در گذشته، به دوره چهار سال اکتفا می‌کردند، ولی امروز یک طلبه تا آخرین مرحله



تخصصی را می‌گذارند و این دوره‌ها را در رشته‌های مختلف مانند فقه و شریعت، دعوت، تفسیر و قرائت توسط اساتید برجسته می‌گذرانند. همه‌ی مدارس جنوب ایران اسلامی، زیر نظر دفاتر و مسئولیت محترم دفاتر هستند. همچنین در مناطق و استان‌های گلستان، سیستان و بلوچستان، خراسان، کردستان و استان‌های کشور و مناطق قومی، طلاب در مدارس برای فراگیری علوم دینی نیازی به رفتن خارج از کشور ندارند و مدارک تحصیلی در سطوح مختلف و مدارس اهل سنت همان‌طوری که در ایران اسلامی مورد تأیید است، در کشورهای دیگر نیز مورد تأیید است.

امروز طلاب دینی با گذراندن دوره مقدمات، متوسطه و عالی بهره‌و افری از همان رشته‌ای که خوانده است می‌برند و می‌توانند جواب‌گوی مسائل شرعی و مشکلات جامعه باشند. تعداد مدارس و اساتید نیز زیاد هستند و همه‌ی این موارد از برکات و خیرات نظام جمهوری اسلامی است و اهل سنت ایران نیز شاکر این نعمت‌های معنوی هستند. به عنوان مثال، استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌هایی است که بیشترین مدارس علوم دینی اهل سنت را در خود جای داده است و این در حالی است که در دوران پیش از انقلاب، تعداد این مدارس در استان محدود بود و حداکثر از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد و علاقمندان به تحصیل علوم دینی، اغلب به کشورهای هندوستان و پاکستان مهاجرت می‌کردند. همچنین آن زمان، کیفیت مدارس دینی نیز به دلیل محدودیت‌های مختلف و کمبود علمای برجسته بسیار پایین بود، اما بعد از پیروی انقلاب اسلامی و رشد روزافزون مدارس دینی در استان، باعث شد طالبان دینی از مهاجرت به کشورهای خارجی برای فراگیری علوم دینی بی‌نیاز گشته و مدارس مختلفی در شهرهای مختلف استان راه‌اندازی گردد.

رشد کیفی حوزه‌های علمیه اهل سنت در ایران باعث شده است که بسیاری از هموطنان اهل سنت از نقاط مختلف کشور و حتی کشور افغانستان و پاکستان برای تحصیل علوم دینی به مراکز دینی بلوچستان مراجعه کنند امروز همراه با تعداد زیاد طلاب در این استان، عالی‌ترین سطوح دینی نیز تدریس می‌شود. همچنین در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، گلستان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، هرمزگان، بوشهر، گیلان و فارس نیز مدارس علمیه زیادی وجود دارد. در استان بوشهر، هشت مدرسه علوم دینی وجود دارد که شامل مدارس خواهران نیز می‌شود. در استان گیلان نیز روابط برادران شیعه و علمای شیعه و اهل سنت، روابط مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل است که مسالمت را تسهیل می‌کند.

علما در اسلام، از ارزش ویژه‌ای برخوردارند. قرآن با فصاحت و بلاغت خاصی، بدین‌گونه علمای راستین را می‌ستاید که: «**اِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**» یعنی در میان بندگان، تنها



افراد دانا و عالم، مطیع و خداترس هستند. همچنین خداوند در بیان اهمیت علما، نام این گروه را بعد از نام مقدس خود و فرشتگان یاد کرده و می‌فرماید: «شهدالله أنه لا إله إلا هو والملائكة و أولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم» که به این معنی است که گواه بر وحدانیت خداوند، فرشتگان و سپس علماء و دانشمندان دین هستند. از جمله دعا‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز این است که خداوند به ایشان امر کرده و می‌فرماید: «و قل ربّ زدنی علما»

فضایل علما و دانشمندان دین، بسیار زیاد است. بنابراین انسان مؤمن باید همه علوم و فنون دینی و دنیایی یاد بگیرد. زیرا به مصداق آیه «و اعدو الهم ما استطعتم من قوه» و نیز وقتی خداوند به نام قلم قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «نون والقلم و ما یسطرون» قرآن، مومنان عالم و دانشمند را به داشتن اندیشه‌های درست علمی و پیوستن به انتظام عمومی کائنات فرا می‌خواند و همه اعضاء و جوارح را در برابر اعمال‌شان مسئول می‌داند. همچنین براساس آیه «ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا» فتوای بدون علم، حرام و عالم در مورد هر فتوایی مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. زیرا خداوند تاکید می‌کند که «از آنچه آگاهی نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش، چشم، قلب و همه جوارح در برابر آن مسئولیت دارند.» اسلام بدین‌گونه به ثبات شخصیت و خروج از مدار تنگ‌نظری و بریدن زنجیرهای نفس‌مداری فرمان می‌دهد و درهای تقلید کورکورانه و تبعیت نابخردانه را بر آنان به وسیله علم و دانش علما می‌بندد.

زبان تصویرگر قرآن، زبان فطرت است که از عمق روان و زوایای تیره‌ی درون انسان سخن می‌گوید و تیرگی را به تصویر می‌کشد. جهل، ضد علم و ضلالت‌آفرین است و آدمی را به بیراه و انحراف می‌کشاند، علمی که نتواند انسان را از پلیدی‌ها و شرک برهاند، علم نیست و جهل است و قرآن در این زمینه می‌فرماید: «من اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغير علم» یعنی «کیست ستمکارتر از آن کسی که به خدا دروغ بزند تا به جهل خود، مردمان را گمراه کند» علم و آگاهی و عالم بودن، مسئولیت‌آفرین است و هر چه آدمی عالم‌تر باشد، در برابر خود و جامعه مسئول‌تر است. زیرا عالم نباید از گفتن حقایق سرباز زند و آرزوهای نفسانی را بر خود حاکم سازد. قرآن در این خصوص نیز می‌فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات» یعنی «خداوند، مقام اهل ایمان و دانشمندان را در دو جهان رفیع می‌گرداند» بنابراین دانش باید همیشه در سنگر ایمان باشد و اگر این‌گونه باشد، تاریکی‌ها را می‌زداید و پلیدی‌ها را می‌راند. از آنجا که علما و دانش‌پژوهان نیکدل از فیض و رحمت خاص خداوندی برخوردارند، هر چه علم و دانش عالم بیشتر باشد، وسعت دید و قطر عالم بیشتر خواهد شد. در خطوط متصل و بی‌پایان حیات، هر کس در جایی و مقامی قرار دارد و عالم و علم و دانش را حد و اندازه‌ای نیست و هر عالم و دانشمندی، مرتبه

مخصوص به خود را دارد و عالم‌ترین عالمان، خداست. در قرآن نیز، خداوند متعال می‌فرماید:  
«نرفع درجات من نشاء و فوق كل ذي علم عليم»

**نقش دبیرخانه را در این پنج سال گذشته در راستای خدمت و ارتقای حوزه‌های علمیه چگونه ارزیابی می‌فرمایید.**

طبق آنچه از گذشتگان و اسلاف به ما رسیده است، در زمان قبل از انقلاب اسلامی، فضای دینی کاملاً تحت فشار و در قبضه‌ی دیکتاتوری بود و امکان ترویج مسائل دینی و احکام شرعی مشکل و دشوار بود. به عنوان نمونه، در استان بوشهر اصلاً مدرسه‌ای به نام مدرسه دینی وجود نداشت و در استان‌های همجوار نیز مدارس دینی از لحاظ کمی و کیفی ضعیف بودند، اما در حال حاضر قابل مقایسه با زمان قبل از انقلاب نیست. امروزه سال به سال به برکت پیروزی شکوهمند انقلاب، شاهد پیشرفت و توسعه هستیم و خیرات و برکات این نظام مقدس، مدارس را تحت پوشش قرار داده و شاهد خدمات‌رسانی هستیم. در پیش از انقلاب و با همین تعداد کم مدارس، در بعضی مناطق به علت مضایقه نظام حاکم ستمشاهی مدارس را تعطیل می‌کردند، ولی امروزه نظام به وسیله خدمات‌رسانی به مدارس و تسهیلات در حق آنها، تمام مردم اعم از برادران و خواهران را به فراگیری علم و دانش شرعی در سطوح مختلف تشویق و ترغیب می‌نماید و راه‌ها برای آنها هموار می‌سازد.

هدف اساسی از تشکیل دفاتر دو امر مهم اجرای منویات مخلصانه مقام معظم رهبری و رسیدگی به خواسته‌های مدارس است که به لطف خدا، در مدت چند سال گذشته ارتباط مدیران، مدرسین و ائمه جمعه و جماعات خوب بوده و همه مدارس و مساجد استان بدون استثناء زیر نظر دفاتر نمایندگان ولی فقیه در امور اهل سنت بوده‌اند. در استان بوشهر نیز، مسئول دفتر نماینده ولی فقیه در امور اهل سنت استان در ابتدای امر، شورایی به نام شورای روحانیت تشکیل داد و با تدوین اساسنامه‌ای، قرار شد تمام امورات اهل سنت زیر نظر این شورا باشد. البته این شورا نیز باید با هماهنگی دفتر امور را پیش ببرد. همچنین زیر نظر شورای روحانیت، هیأت افتاء و شورای نظارت بر مساجد و مدارس و کمیته نظارت بر مکتب‌خانه‌ها نیز تشکیل گردید.

اکنون دبیرخانه و دفاتر در پیشرفت مدارس دینی و امورات اهل سنت نقش بسزایی را ایفا می‌کنند و نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها نظامی است که به نفع اهل سنت است و ما با یقین و ایمانی راسخ اعلام می‌نماییم که هیچ دولت و نظامی برای اهل سنت کشور، به ویژه استان بوشهر، از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شایسته‌تر و بهتر نخواهد بود. زیرا در این نظام، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در حال پیشرفت و توسعه بوده و



هستیم و برای همین امر، اگر بخواهیم محاسن این نظام و دفاتر اهل سنت را ذکر کنیم، بسیار زیاد است و لازم است که شکر این نعمت‌ها را به جا بیاوریم.

در جریان انقلاب اسلامی که مردم ایران با زعامت رهبر فقید انقلاب، حماسه‌ی بزرگی را آفریدند که در اعصار و قرون گذشته، بی همتا و بی نظیر بوده است، عموم اهل سنت از جمله مردم استان‌های بوشهر، هرمزگان و فارس نیز نقش فعالی داشتند و پس از آن نیز علاقمندی خود را به نظام جمهوری اسلامی نشان داده‌اند که این امر در راهپیمایی‌های سالگرد پیروزی انقلاب که همه ساله با حضور ائمه جمعه و جماعات، مدیران مدارس، اساتید، شیوخ و عموم اهل سنت این استان‌ها، همانند سایر مناطق سنی‌نشین، خود را نشان داده است. ضمن آن که اهل سنت در حفظ دستاوردهای نظام اسلامی نیز با تقدیم صدها شهید و جانباز نیز نقش مهمی داشته‌اند و این امر، گواهی مهم بر وطن‌دوستی و اسلام‌دوستی آنها است.

امروز دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت کشور، ریاست، دبیر، اعضای شورا و پرسنل دفتر تهران که خودشان بیش از شصت نفر هستند و دفاتر و مسئولین دفاتر استانی به طور مداوم، در حال خدمت به اهل سنت و مدارس آن هستند و از این مدارس، پشتیبانی و دفاع می‌کنند در جهت پیشرفت آنها سعی و تلاش می‌کنند. اهل سنت، شیوخ، مدیران، اساتید مدارس، ائمه جمعه و جماعات متعهد می‌شوند که با داشتن روحیه‌ی هم‌واری همواره در حراست و نگهداری از مرزهای کشور همراه هموطنان خود به این راه ادامه دهند و فکر و اندیشه‌ی دفاع و حفظ نظام از جمله توصیه‌ها و سفارشات عموم علما، شیوخ و بزرگان اهل سنت بوده و هست.

**میزان رشد کمی و کیفی حوزه‌های علمیه را در داخل و خارج کشور بررسی کنید و در خصوص بایسته‌های پیروی حوزه‌های علمیه و علما از حاکمیت اسلامی با توجه به فقه اهل سنت دیدگاه شما چیست؟**

حوزه‌های علمیه اهل سنت در ایران اسلامی در مدت سال‌های پس از انقلاب پیشرفت و توسعه قابل توجهی داشته است. به خصوص در چند سالی که از عمر دبیرخانه مدارس اهل سنت می‌گذرد، آنچه که از مدارس علوم دینی شاهدیم بسیار مسرت‌بخش و بشارت‌دهنده به خیر است. مدارس علمیه در ایران اسلامی و در میان مسلمانان و علمای اسلام این خطه، جایگاه خاصی پیدا کرده و علمای بسیاری تقدیم جامعه کرده است و خلأ بزرگی را نموده است. همچنین این مدارس از تجربیات آموزشی و تربیتی خوبی بهره گرفته است و همواره افتخار داشته که تحت نظارت و سرپرستی رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری و همچنین دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس و دفاتر استانی باشد و با دوراندیشی و سعه‌صدر از

طلاب، جهت تحصیل چه در دروس مقدمات و متوسطه و چه دروس عالی و تخصصی استقبال کند. علما، مدیران و شیوخ مدارس با توسعه علمی و فرهنگی فضای آموزشی مدارس و کتابخانه‌ها و با امکانات و فناوری جدید جهت تعلیم و تعلم، روح بیداری در امت اسلامی را می‌دمند و آنها را از خطر و فتنه‌هایی که آنها را احاطه کرده است، آگاه می‌سازند. حوزه‌های علمیه و علمای اهل سنت، اطاعت و پیروی از حاکمیت اسلامی مقام معظم رهبری را که فردی مؤمن و مجتهدی جامع‌الشرایط است را واجب می‌دانند و مطیع اوامر و دستورات ایشان که برگرفته از کتاب‌الله و سنت رسول‌الله (ص) است، هستند. انقلاب اسلامی، سرآغاز حاکمیت ارزش‌های معنوی است و با رمز ایمان و وحدت کلمه به پیروزی رسید و ملت شریف ایران اعم از شیعه و اهل سنت با وحدت کلمه، کلمه توحید، تمسک به اسلام و رهبری شجاعانه و حکیمانه الهی مؤمن صالح، امام خمینی نظام جمهوری اسلامی را سر کار آوردند، بنابراین اهل سنت همان طوری که در زمان امام، مطیع ایشان بودند، امروز هم مانند گذشته، علمای اهل سنت و حوزه‌های علمیه طبق فقه خود و تأکید علما، شیوخ، اساتید مدارس، فقیهان و مجتهدان خود همگام و همسو با حوزه‌های علمیه شیعه برای استقرار و تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی و تقویت وحدت اسلامی و به لرزه درآوردن پایه‌های سست استکبار، مطیع و فرمانبردار خلف صالح امام خمینی، که به عنوان حاکم شرع و مجتهدی جامع‌الشرایط است هستند و این امور را در عمل ثابت نیز کرده‌اند.

به طور خاص، علما و مدارس جنوب ایران بدون استثناء زیر نظر دفتر شورای برنامه‌ریزی هستند و در مناسبت‌های دینی و عبادی مانند شروع و خاتمه رمضان منتظر اعلام نهایی دفتر مقام معظم رهبری حفظه بوده و هستند. زیرا خود را در امر پیروزی انقلاب شریک می‌دانند و برای برقراری این حکومت در همه مناسبت‌ها سیاسی و عبادی سهیم بودند. اهل سنت و به ویژه علمای آن، وطن و رهبر خود، مقام معظم رهبری را دوست دارند و بر نعمت حکومت و نظام اسلامی حاکم در ایران اسلامی، خداوند متعال را شاکرند. اهل سنت و جماعت، به هیچ وجه و عنوان خروج بر امام عادل را جائز نمی‌دانند و اگر گروه و طائفه‌ای بر امام عادل خروج کنند، در فقه شریعت به اهل بغی شناخته می‌شوند و با آنها به دستور امام عادل، جنگیده می‌شود تا اینکه از بغی و سرکشی و مخالفت خود به طاعت و تبعیت از امام عادل برگردند. امروز نیز مقام معظم رهبری، شخصیتی عالی مقام، مجتهدی عادل، جامع‌الشرایط، عالم به کتاب الهی و سنت رسول‌الله (ص)، عالم به زمان، حکیم و خردمند است و مسلمانان را به تعالی و ترقی دنیا و آخرت سوق می‌دهد. ما طول عمر با عزت ایشان را از خداوند متعال خواهانیم.



بایسته‌های آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه بوشهر و انتظارات خود را از دبیرخانه بیان فرماید.

دبیرخانه شورای محترم برنامه‌ریزی مدارس در اصل، جزو تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری بوده است. بر همگان واضح و روشن است که این دبیرخانه باید به کار خود یعنی سازماندهی، خدمت‌رسانی، تقویت و پشتیبانی از مدارس اهل سنت ادامه دهند و تا می‌توانند بیش از پیش به رفع کمبودها و نیازها و رسیدگی به خواسته‌ها همان طوری که در مدت پنج سال گذشته پرداخته‌اند، بپردازند تا اینکه دشمنان اسلام از تمام جهات ناامید و مأیوس شوند و هیچ دری و یا روزنه‌ای که به وسیله آن، بتوانند مسلمانان شیعه و اهل سنت را تضعیف کنند و در بین آنها تفرقه و جدایی ایجاد کنند، برای آنها باقی نماند. امروز برای همه مدارس کشور به ویژه مدارس اهل سنت جنوب ایران به یقین ثابت گردیده است، این گام تقریبی که دبیرخانه برای ایجاد وحدت و الفت بین اقشار مختلف جامعه اسلامی ایران و جهان برداشته است، مفید بوده و قابل تقدیر و تشکر و قدردانی است.

در خصوص نقش مشارکت و حضور عموم اهل سنت در پیروزی انقلاب اسلامی و نیز سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اگر مطلبی مانده است، بفرمائید.

باید دانست که به لطف خدا، خیزش عظیم انقلاب اسلامی ایران در حالی که بیش از سه دهه و نیم پر صلابت و مقتدر از حیات پرافتخار پشت سر گذاشته است که عموم اهل سنت در سراسر کشور اسلامی ایران و مخصوصاً اهل سنت استان بوشهر همگام و همسو با مردم نقاط دیگر کشور در رویدادهای این انقلاب به زعامت رهبر فقید انقلاب، امام راحل، نقش فعالی داشته‌اند و تمام سال‌های پس از انقلاب نیز علاقه‌مندی خود را به نظام مقدس اسلامی نشان دادند.

اهل سنت به خاطر چند مسئله حیاتی و مهم علیه نظام شاهنشاهی قیام کردند: نخست آن‌که، سردمداران پهلوی می‌خواستند فرهنگ ایران اسلامی را به فرهنگ اروپایی و غربی تبدیل کنند و این کاری بود که رضاخان در ایران، امان‌الله خان در افغانستان و کمال آتاتورک در ترکیه آغاز کردند و آنها می‌خواستند همه چیز غربی شود. دوم آن‌که، رژیم ستمشاهی پهلوی وابسته به آمریکا و انگلیس بود و می‌خواست کشور را به آنها تحویل دهد و کشور را به وابستگی سیاسی بکشاند. از این رو، مردم شریف ایران این وضع را تحمل نکردند و شیعه و اهل سنت نخواستند که فرهنگ و تمدن اسلامی را از دست بدهند و استبداد نظام شاهنشاهی، فشارها، سرکوب‌ها، ظلم، بی‌عدالتی و وجود خفقان مردم را وادار قیام علیه رژیم پهلوی ایران نمود. پس از پیروزی انقلاب نیز مردم با استقامت و پایداری در

برابر سختی‌ها، فشارها و تحریم‌های اقتصادی ابرقدرت‌ها ثابت کرده‌اند که هنوز مردم مانند روزها و سال‌های اول انقلاب آگاه و بیدار هستند.

**مطالب مجله حبل‌المتین را چگونه ارزیابی می‌فرمایید و اگر پیشنهاداتی در زمینه ارتقای کیفی آن دارید، بیان بفرمایید.**

مطالب این نشریه، بسیار خوب و مستدل به ادله شرعی می‌باشد و مقالات آن در سطح بسیار عالی است و هیچ‌گونه مورد تفرقه‌انگیز در آن وجود ندارد. بنده همیشه مطالب آن را مورد مطالعه قرار می‌دهم و خوشبختانه، هیچ مورد جدایی و اختلاف‌انگیز در آن ندیدم. البته سعی شود که روز به روز این مجله تقویت شود و مجله‌ای باشد که علما را به خود جذب کند که همینطور هم هست. علما باید جذب وحدت و جذب سرچشمه اسلام شوند، چون به وسیله علما و جذب علما، مردم تسری می‌کند و بدین ترتیب به جهانیان اعلام کنیم که اسلام برتر است، خدا برتر است، قرآن برتر است و عزت و سربلندی ما و شما و تمام مسلمانان جهان به نام اسلام و خدا و قرآن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

